

موانع تحقق طرح‌های جامع تهران

بررسی نقش مسائل درونی و بیرونی طرح‌های جامع در تحقق‌پذیری آنها

مجید غمامی/کارشناس ارشد شهرسازی



توسعه شهر تهران پس از نیم قرن سابقه برنامه‌ریزی شهری در ایران، همچنان دارای مشکلات عدیده‌ای است. هرچند تاکنون سه طرح برای توسعه تهران تهیه شده اما هر یک در مسیر تحقق، به سرنوشتی نافرجام دچار شده است. امروزه به نظر می‌رسد که تلاش برای تحقق‌پذیری طرح به اندازه محتوای طرح حائز اهمیت باشد. در این راستا نگاهی کوتاه به سابقه طرح‌ها، محتوای آن و برخی مسائل درونی و بیرونی در تحقق آنها می‌تواند راهگشا باشد.

واژگان کلیدی: طرح جامع تهران، اسناد میان‌بخشی، طرح ساماندهی، طرح راهبردی - ساختاری

طرح جامع اول تهران، مصوب سال ۱۳۴۹

جمعیت شهر تهران که حدود ۲۲۰ سال پیش، زمانی که به پایتختی انتخاب شد، تقریباً پانزده هزار نفر بود، در حدود صد و سی سال حکومت سلسله قاجار و در اوایل قرن اخیر و مقارن با شروع سلطنت پهلوی به حدود ۲۰۰ هزار نفر رسید. تا آن زمان تهران تفاوت چندانی با دیگر شهرهای مهم کشور مثل تبریز و اصفهان نداشت. اما این رشد کند، آهسته و موزون با شروع دوره موسوم به مدرنیزاسیون و ایجاد و استقرار نهادهای جدید (ارتش منظم، بانک‌ها، وزارتخانه‌ها، دانشگاه‌ها و ...) و تمرکز هر چه بیشتر امور حکومت در تهران، ناگهان شتاب گرفت و در کمتر از بیست سال، جمعیت تهران تقریباً سه برابر شد. با ادامه این رشد شتابان در ۱۵ سال بعد، تهران با جمعیت ۱/۵ میلیون نفر با مسائلی مواجه شد که قبلاً سابقه نداشت: کمبود مسکن، حاشیه‌نشینی، منابع آب، زیرساخت‌ها، خدمات شهری، ترافیک و ...

دولت در واکنش به این وضعیت دو اقدام را در دستور کار خود قرار داد: اول، تمرکززدایی از تهران و محرومیت‌زدایی از سایر مناطق کشور از طریق ممنوعیت احداث صنایع در شعاع ۱۲۰ کیلومتری تهران، سرمایه‌گذاری در سایر مناطق کشور (با توسعه زیرساخت‌ها، احداث صنایع، مثل ماشین‌سازی تبریز و اراک، ذوب‌آهن اصفهان، ایجاد دانشگاه‌ها در مرکز استان‌ها و ...)، که این سیاست پس از انقلاب نیز با رسیدگی به وضعیت نواحی روستایی کشور و طی چند سال گذشته نیز با واگذاری اختیارات بیشتر به استان‌ها (در چارچوب قانون برنامه سوم توسعه کشور) به طور مستمر ادامه داشت. دوم، تهیه طرح جامع تهران که مطالعات آن در سال ۱۳۴۵ آغاز شد و در سال

۱۳۴۹ به تصویب رسید.

مطالعات طرح جامع اول تهران زمانی شروع شد که شهر تهران در سال ۱۳۴۵ حدود ۱۸۰ کیلومتر مربع وسعت و ۲/۷ میلیون نفر جمعیت داشت.

این طرح جهت گسترش شهر را به دلیل وجود ارتفاعات در شمال و شرق و اراضی شور در جنوب تهران، سمت غرب تعیین کرد و سطح شهر را به ده منطقه با مراکز مجهز تقسیم و شبکه‌ای از آزادراه‌ها و بزرگراه‌ها را نیز پیشنهاد کرد. به این ترتیب بر اساس طرح جامع، تراکم جمعیت در تهران از حدود ۱۵۰ نفر در هکتار به حدود ۹۰ نفر در هکتار کاهش می‌یافت و به ازای هر نفر نیز حدود ۵۵ متر مربع انواع خدمات ارائه می‌شد.

این طرح در حدود هشت سال، یعنی از سال ۱۳۴۹ تا سال ۱۳۵۷ (سال انقلاب اسلامی)، مبنای هدایت توسعه تهران بود و بر اساس آن، طرح تفصیلی بخش‌هایی از شهر نیز توسط شهرداری تهران تهیه شد.

چالش‌ها و مسائل طرح جامع اول تهران

امروز که حدود چهل سال از زمان تصویب اولین طرح جامع تهران می‌گذرد، با توجه به تحولات شهر و منطقه تهران و تغییراتی که در عرصه‌های نظری و حرفه‌ای در باورها و دیدگاه‌ها نسبت به وظیفه و نقش طرح‌های جامع در هدایت، کنترل و نظارت بر تحولات شهرها ایجاد شده است، اشاره به چند نکته مفید به نظر می‌رسد:

۱ نگاه طرح جامع به پیشرفت اقتصادی کشور در آینده بسیار خوش‌بینانه بود. با توجه به تجربه پلانوی برنامه‌ریزی شهری در کشورهای درحال توسعه (و حتی پیشرفته) طی نیمه دوم قرن بیستم، می‌توان گفت که این نگاه، واقع‌بینانه نبوده است.

۲ پندار نادرست دیگر این بود که اگر ارزش‌ها و احکام طرحی (مثلاً در مورد ضرورت حفاظت از محیط‌زیست، باغات و اراضی کشاورزی، سطح‌بندی و توزیع منطقی تأسیسات و تجهیزات و خدمات شهری، نظم در فرایند استقرار جمعیت و فعالیت و نحوه کاربری اراضی شهری، زیبایی شهر و ...) منطقی بوده و به لحاظ فنی نیز درست باشد، تحقق و اجرای آن درست همانند یک پروژه عمرانی با حمایت‌های اجرایی و مالی دولت امکان‌پذیر است. امروز تجربه جهانی (از جمله تجربه کشور ما) نشان داده است که امور انسان‌ها و جهان به‌طور کلی الزاماً منطبق با استانداردهای علمی و فنی مدیریت نمی‌شود.

۳ طرح جامع اول تهران هیچ تصویری از شکل‌گیری پدیده «منطقه کلان‌شهری» (یا به اصطلاح امروز مجموعه شهری) و به‌وجود آمدن کرج دو میلیونی (که در آن زمان فقط ۴۰ هزار نفر جمعیت داشت) و شهرهای چند صد هزار نفری (مثل اسلامشهر و قرچک و قدس و ...) و کانون‌های متعدد و پرجمعیت دیگر در پیرامون تهران نداشت.

۴ در زمان تهیه طرح جامع تهران هنوز وزارت مسکن و شهرسازی تأسیس نشده بود و طرح جامع تهران با مدیریت و زیرنظر سازمان

برنامه و بودجه (نوسط مؤسسه مهندسان مشاور فرمانفرمائیان و ویکتور گروئن آمریکایی) تهیه شد. این سابقه، دو سنت نامیمون از خود به جای گذاشت که هنوز بعد از چهل سال باقی مانده و مانع از شکل گیری ساز و کار صحیح مدیریت و برنامه ریزی شهری در کشور شده است :

■ اول اینکه پنداشته می شود که طرح های جامع شهری، «اسناد میان بخشی» هستند و وظیفه تأمین نیازها و هماهنگی بین بخش های اجرایی (از جمله وزارت آموزش و پرورش، بهداشت و درمان، نیرو، راه، سازمان تربیت بدنی و...) را نیز به عهده دارند. ماندگاری غریب این پندار (به رغم رواج دیدگاه های مدیریت و برنامه ریزی استراتژیک) همچنان باعث انجام مطالعات حجیم، بیهوده و طولانی شدن زمان تهیه برنامه ها و طرح های شهری می شود. عدم تحقق احکام متنوع و نامرتب باعث بی اعتقادی عمومی به نقش و اهمیت برنامه و طرح شهری شده و از همه مهم تر اینکه مسائل اصلی و مهم شهرها (که در حوزه توان و دخالت برنامه و طرح شهری جای دارند) همواره در میان انبوه عظیمی از گزارشات، نقشه ها و اسناد و احکام نامرتب مغفول می ماند.

■ دوم اینکه طرح های شهری نیز به مثابه نوعی از «پروژه های عمرانی» (مثل سد، نیروگاه، فرودگاه و...) پنداشته شده و در نتیجه کماکان تهیه برنامه ها و طرح های شهری به مهندسی مشاوره خصوصی سپرده می شود. از این رو شکل گیری نهادهای پایدار و دائمی، توانمند و مؤثر، در چارچوب ساز و کارها و تشکیلات مدیریت شهری کشور به تعویق خواهد افتاد. این شیوه مانند این است که کشوری اداره قوای مجریه، مقننه و قضاییه خود را به مشاوران خصوصی داخلی یا خارجی بسپارد! امروز در چارچوب نظام های مدیریت شهری، در همه کشورهای پیشرفته (و حتی در حال توسعه) جهان، نهادهای دائمی برنامه ریزی شهری، که وظیفه نظارت مستمر تحولات شهری، تعریف مسئله، تعیین اهداف و راهبردها و سیاستها و نظارت بر اجرای آنها و بازنگری مستمر در برنامه و طرح ها و ... را به عهده دارند، ایجاد شده و شکل گرفته اند.

طرح ساماندهی (جامع) تهران - مصوب ۱۳۷۱

در سال های اول انقلاب، هم زمان با دعوت مردم به شهرها و واگذاری های گسترده زمین مجانی و یا ارزان قیمت در داخل محدوده و پیرامون شهرها، ضابطه «دو طبقه ساختمان روی پیلوت یا زیرزمین»، جایگزین ضوابط متنوع طرح جامع تهران شد. در این میان وزارت مسکن و شهرسازی بازنگری در طرح جامع اول و تهیه طرح ساماندهی (جامع) تهران را از اواسط دهه شصت در دستور کار خود قرار داد.

مطالعات طرح ساماندهی (جامع تهران) در سال ۷۰ تمام شد و سال بعد نیز طرح به تصویب شورای عالی شهرسازی ایران رسید. با توجه به قطع کمک های دولت به شهرداری تهران زمینه تأمین اعتبار مورد نیاز شهرداری از محل فروش تراکم و توافق با مالکان بر سر نوع استفاده از اراضی فراهم شد. این فکر که زمینه تحقق آن با پایان جنگ و شروع دوران سازندگی مهیا شده بود، مبنای کار قرار گرفت و در نتیجه این بار نیز طرح مصوب و ضوابط و مقررات آن به کنار گذاشته شد.

طبق طرح جامع دوم تهران، محدوده تهران و شبکه راه های اصلی آن تقریباً همان محدوده و شبکه راه ها طرح جامع اول بود. طرح، تهران را به پنج حوزه (شمال، شرق، جنوب، غرب و مرکز) تقسیم کرد و برای هر یک از آنها مرکزی در نظر گرفت، ظرفیت جمعیتی شهر را به حدود ۷/۶۵ میلیون نفر افزایش و سرانه خدمات را کاهش داد.

تهران امروز و طرح جامع جدید

بررسی گذشته نشان داد که توسعه تهران طی ربع قرن اخیر تابع هیچ نوع سیاست و برنامه همه جانبه نبوده است و از این نظر در بین کلان شهرهای جهان یک استثنا به شمار می آید! این فقدان بزرگ، همراه با ساخت وسازهای گسترده در چارچوب «رویه توافق و تراکم فروشی» تهران را با فشار بیش از اندازه مسائل و مشکلات متعدد مثل آلودگی شدید هوا، ترافیک، آسیب پذیری زیاد در برابر زلزله، کمبود فضاهای عمومی و خدمات شهری، نابسامانی منظر شهری و ... روبه رو ساخته است. علاوه بر اینها رویکردهای نادرست گذشته باعث شد که توانایی های تهران برای ایفای نقش حیاتی در سطوح ملی و فراملی به شدت کاهش یابد و نقش پایتخت کشور عمدتاً به تأمین خانه، مغازه و دفتر کار برای ساکنان کاهش یابد و فرصت های کمیاب و نادر برای تأمین فضاهای مورد نیاز کارکردهای اقتصادی و خدماتی در سطح ملی و فراملی از میان برود. در سطح «منطقه کلان شهری» (مجموعه تهران و شهرهای

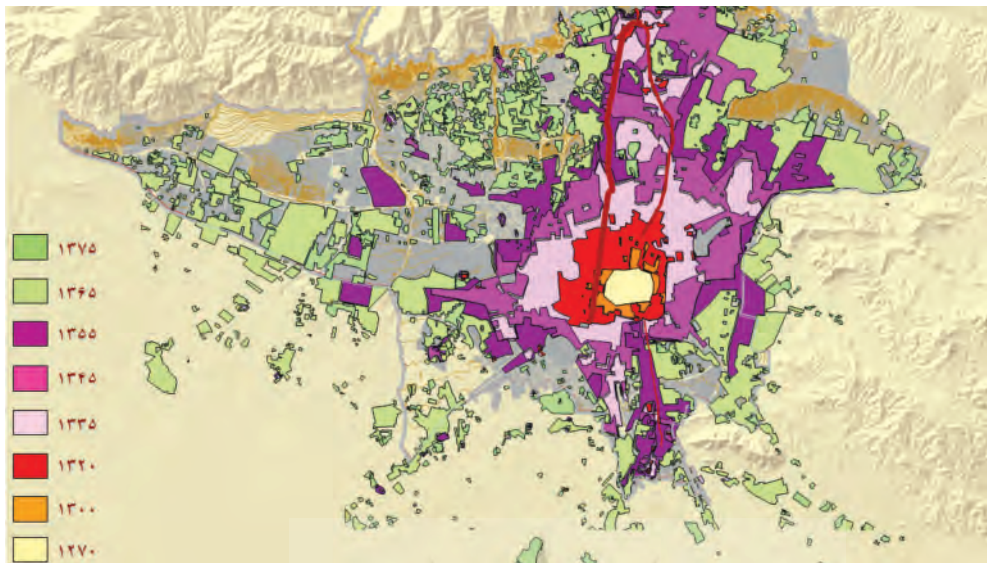
اطراف آن) نیز، عدم توجه به ساماندهی اسکان جمعیت و استقرار فعالیت ها از یک سو باعث تشدید آسیب ها و مخاطرات گسترده زیست محیطی و اجتماعی در منطقه شده و از سوی دیگر موجبات ناامنی و فشار بیش از اندازه بر شهر تهران را فراهم کرده است. مقابله با این شرایط و نجات تهران مستلزم بازنگری و اصلاح فوری و همه جانبه نحوه مدیریت تحولات شهر تهران است و در این زمینه طرح جامع جدید تهران می توانست نقش بسیار مهمی را به عهده داشته باشد.

تفاوت های طرح جامع جدید با طرح های گذشته

نکته بسیار مهم، تفاوت اساسی صورت مسئله طرح جامع جدید با صورت مسئله طرح های جامع قبلی است :

● شرایط شهر تهران، مانند دیگر شهرهای بزرگ کشور، نسبت به چهل سال قبل که تهیه طرح های جامع و تفصیلی در دستور کار نظام اجرایی کشور و مدیریت های شهری قرار گرفت، تفاوت کرده است. در آن زمان مهم ترین مسئله تهران و شهرهای بزرگ مثل مشهد و تبریز افزایش

زمانی که پیامدهای مغرب ساخت و ساز بی رویه به تدریج ظاهر شد، با تصویب و صدور پی در پی بخشنامه ها و ضوابط محدود کننده (مصوبه موسوم به ۲۶۹ که ارتفاع ساختمان ها را به ۷ طبقه و مصوبه ۳۲۹ که به ۵ طبقه کاهش داد و...) تلاش شد که این وضع نابسامان تا حدودی کنترل شود. هم زمان فکر جایگزین کردن برنامه و طرح به جای بخشنامه و دستور العمل موردي، که در ابتدا در مقابل جاذبه پول و توسعه ظاهری توانی نداشت، نیز با آشکار شدن این پیامدها به تدریج در میان بعضی مسئولان تقویت شد و بالاخره به تصمیم برای همکاری شهرداری و وزارت مسکن و شهرسازی منجر شد.



نقشه گسترش شهر تهران، مأخذ: طرح جامع تهران، ۱۳۸۵

مسئله طرح جامع جدید تهران چه بود؟

مانند بسیاری از شهرهای بزرگ دنیا، مسئله اصلی تهران، تغییر و تحولات کالبدی ناشی از تحولات و نیازهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آن است: ساختمان‌های کهنه‌ای که تخریب می‌شوند و به جای آنها ساختمان‌های نو ساخته می‌شود، بخش‌هایی از شهر که نقش آنها تغییر می‌کند (کشتارگاهی که به فرهنگسرا و یا ناحیه صنعتی متروکه یا پادگانی که به ناحیه تجاری و مسکونی تبدیل می‌شود)، بخش‌های فرسوده شهر که بازسازی و نوسازی می‌شود، بخش‌هایی از شهر که به دلیل ارزش‌های تاریخی، فرهنگی و طبیعی حفاظت و یا بهسازی می‌شوند و ...

با این رویکرد هدف از تهیه طرح جامع جدید دست‌یابی به سندی بود که بتواند ضمن تشخیص و تبیین مسائل و مشکلات تهران در سطوح فراملی و ملی، منطقه‌ای و شهری و بررسی محدودیت‌ها و امکانات حل آنها، راه‌کارهای مناسب را نیز در هر سه سطح فوق‌تدوین و پیشنهاد کند و در عین حال مدیریت شهری بر مبنای آن بتواند فرایند تغییر و تحولات کالبدی و نحوه استفاده از زمین را هدایت، کنترل و نظارت کند.

طرح راهبردی - ساختاری جامع جدید تهران مصوب آذرماه ۱۳۸۶

مضمون و محتوای طرح

مضمون طرح راهبردی - ساختاری (جامع) جدید تهران^۲، به تبعیت از مراحل و اصطلاحات معمولی و متداول در برنامه‌ریزی استراتژیک، شامل عناوینی چون «چشم‌انداز»، «اهداف»، «راهبردها»، «سیاست‌ها» و «برنامه‌ها» نیز است. اما به لحاظ محتوایی، «استراتژیک» به معنای پرداختن به چند مسئله مشخص و اساسی به جای کوشش برای حل همه مسائل نیست و به روال معمول «طرح‌های جامع» به تمامی مسائل شهر توجه کرده و برای حل همه آنها نیز توصیه‌ها، پیشنهادات و احکامی ارائه داده است.

جمعیت و گسترش شتابان ساکنان محدوده شهرها بود. به همین دلیل مهم‌ترین هدف طرح‌های جامع پیش‌بینی جمعیت، تعیین محدوده شهر و پیش‌بینی شبکه راه‌های مورد نیاز بود.

● مسئله اصلی طرح جامع دوم تهران نیز بازنگری در طرح جامع اول و انطباق محتوای آن با شرایط جدید بعد از انقلاب اسلامی بود که به افزایش ظرفیت جمعیتی محدوده طرح جامع اول، از ۵/۵ به ۷/۶۵ میلیون نفر و کاهش تعداد تقسیمات اصلی شهر از ده منطقه به پنج حوزه منجر شد.

● اما مسئله اصلی تهران امروز و شهرهای بزرگ کشور دیگر افزایش محدوده و جمعیت آن نیست، عرصه پاسخگویی به مسئله افزایش جمعیت و گسترش شهر در کلان‌شهری مثل تهران، نه محدوده ۲۲ منطقه شهر، بلکه عرصه منطقه کلان‌شهری است.

● محدوده ۷۰۰ کیلومتر مربعی شهر تهران، که از شمال به کوه البرز، از شرق به ارتفاعات و مناطق حفاظت شده و تأسیسات نظامی، از غرب به کلان‌شهر کرج، از جنوب به شهرهای قرچک، تأسیسات پالایشگاه تهران و مرقد امام خمینی (ره)، اسلامشهر، قدس و ... محدود شده است، دیگر امکان گسترش ندارد. بنابراین دیگر مسئله طرح جامع تهران تعیین حدود گسترش آتی آن نبوده است.

● تقریباً کلیه آزادراه‌ها، بزرگراه‌ها و راه‌های اصلی تهران یا ساخته شده‌اند و یا در حال ساخت هستند. بنابراین مسئله طرح جامع، دیگر پیش‌بینی شبکه راه‌های اصلی شهر در آینده نبوده است.

● جمعیت شهر تهران از ظرفیت پیش‌بینی شده در طرح ساماندهی مصوب ۱۳۷۱ بیشتر است، بنابراین دیگر مسئله طرح جامع پیش‌بینی و تعیین میزان جمعیت آینده شهر هم نبوده است.

● تقریباً تمام سطح محدوده شهر تهران دایر است (و برای منطقه ۲۲ نیز که کمتر از ده درصد از وسعت شهر را دارد و هنوز به‌طور کامل اشغال نشده طرح تفصیلی مصوب وجود داشت). بنابراین دیگر مسئله طرح جامع تهران، تعیین کاربری اراضی در محدوده گسترش‌های آتی شهر، نیز نبوده است.

محتوای طرح جامع جدید تهران شامل یک «سند چشم انداز» (هماهنگ با چشم انداز برنامه بیست توسعه کشور) و ۹ هدف اصلی است که راهبردهای طرح نیز بر مبنای آنها تعریف شده است. علاوه بر این شامل تصمیماتی در مورد محدوده و جهت شهر، توصیه‌ها و احکامی برای تحقق و اجرای طرح است که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

■ جمعیت شهر با فرض رشد طبیعی ۸/۷ میلیون نفر برای سال ۱۴۰۵ پیش‌بینی شده است، لیکن برنامه‌ریزی خدمات برای ۹/۱ میلیون نفر است. در جریان بررسی و طرح، شورای عالی شهرسازی ظرفیت جمعیت‌پذیری شهر را با ۲۰ درصد مازاد بر جمعیت برآورد شده فوق و برای «توسعه ساخت و ساز و جلوگیری از رکود بازار مسکن»، تعیین و تصویب کرده است.

یادآوری می‌شود که جمعیت تهران در طرح جامع اول مصوب ۱۳۴۷ «در همین محدوده» ۵/۵ میلیون نفر و در طرح ساماندهی (جامع) دوم مصوب ۱۳۷۱ به عنوان «حداکثر ظرفیت جمعیت‌پذیری» در «همین محدوده» ۷/۶۵ میلیون نفر تعیین شده بود.

■ در شرایطی که مدیریت شهر تهران برای حفظ همان محدوده طرح جامع اول در چهل سال پیش، به دلیلی وضع قانونی یک بند و سه تبصره به ماده ۹۹ شهرداری‌ها و تغییرات مستمر در تقسیمات کشوری استان تهران، دچار مشکل است و حتی اگر قرار باشد قانون درست اجرا شود، بخش‌هایی از محدوده تهران نیز از آن منتزع می‌شود (شمیرانات و ری)، در طرح جدید، حریم شهر تهران از شمال و جنوب تا مرزهای استان تهران گسترش یافته و مساحت آن به ۵۹۱۸ کیلومتر مربع افزایش یافته است و تثبیت نهایی حریم مذکور نیز در مصوبه شورای عالی شهرسازی به موافقت وزارت کشور موکول شده که این امر تاکنون تحقق نیافته است.

نکته قابل توجه این است که افزایش حریم شهر تهران در ارتفاعات غیرقابل سکونت البرز در نواحی شمالی و اراضی کویری در جنوب استان، راه‌گشا نخواهد بود، به ویژه وقتی کانون‌های جمعیتی محوره‌های خاوران و ورامین در جنب شرق و کرج و شهرهای متعدد پیرامونش در غرب و ... که با تهران ارتباط روزمره و سرنوشت مشترک دارند، جزیی از این حریم نباشند.

■ یکی از نقاط قوت مطالعات طرح جامع جدید تعبیری است که از سازمان فضایی تهران دارد، تعبیری که بر اساس آن محور تاریخی شمالی-جنوبی مرکز تهران (شامل تجریش، منطقه بازار و مرکز شهر و شهرری) کوهستان البرز و رود دره‌های شمالی-جنوبی تهران، تپه‌های مرتفع شرقی-غربی شامل لویزان، عباس‌آباد، پردیسان و بزرگراه‌های شریانی شرقی-غربی و شمالی-جنوبی مورد توجه قرار گرفته و بخش مهمی از مبانی پهنه‌بندی استفاده از اراضی در شهر، حدود تقسیمات پیشنهادی و مراکز شهری، تعیین عرصه‌ها و حوزه‌های نیازمند، مداخله برنامه‌ریزی شده برای ارتقاء کیفیت محیط شهر، احیای میراث فرهنگی-تاریخی و زیبایی‌های طبیعی و بصری شهر را تشکیل می‌دهد.

■ پهنه‌بندی سطح شهر به چهار پهنه اصلی سکونت، فعالیت، مختلط و حفاظت (و زیر پهنه‌های آنها) به عنوان «سند اصلی هدایت و کنترل تحولات کالبدی شهر» (به جای تعیین مکان و موقعیت کاربری‌ها که در طرح‌های جامع گذشته معمول بود)، یکی از جنبه‌های مثبت طرح است، که اگر به درستی انجام می‌شود، می‌توانست در ارتقاء سطح

کارایی و کیفیت محیطی شهر بسیار مؤثر باشد. اما ایراداتی به آن وارد است، که جای بحث آن در این نوشتار نیست؛ از جمله محول کردن تدوین ضوابط و مقررات تفصیلی پهنه‌بندی به کمیسیون ماده پنج (در حالی که از آغاز به عنوان یکی از مهم‌ترین اسناد طرح بر آن تأکید می‌شد) و اکتفای طرح جامع به کلیات ضوابط و مقررات.

■ یکی دیگر از ویژگی‌های طرح جامع جدید، تأکید بر ضرورت مداخله برنامه‌ریزی شده مدیریت شهر در زمینه‌هایی است که افراد جامعه و بخش خصوصی (به تنهایی) و به‌طور طبیعی انگیزه‌ای برای ورود به آن‌ها ندارند و اجرای آنها نیازمند تجهیز و سازماندهی منابع سرمایه‌گذاری، تشویق بخش خصوصی و ... توسط نظام مدیریت شهر است. اما تعدد موضوع‌ها و موضوع‌های نیازمند مداخله (۱۸ برنامه شامل ۷۸ طرح موضوعی، ۹ برنامه شامل ۴۶ طرح موضوعی و تعداد زیادی «زیر طرح») اقدام جدی برای اجرای آنها را تقریباً به خواسته‌ای غیرممکن تبدیل کرده است. پرداختن به همه موضوعات، نیازها و ضرورت‌ها (بهرغم زمان و امکانات محدود) برخورد با همه مسائل شهر است، در حالی که همه یک صدا بر ضرورت برخورد استراتژیک با مسائل شهر (شناسایی، سنجش و ارزیابی نقطه‌های قوت و ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها) تأکید کرده و می‌کنند.

■ در سند مصوب طرح جامع جدید، تعداد زیادی شرط برای تحقق آن پیشنهاد شده که مستلزم علاقمندی، الزام و مشارکت نهادهای بسیاری است که هیچ تضمین و ساز و کاری برای تحقق آنها وجود ندارد. این شروط عبارت است از: تمرکززدایی از تهران، تقویت شهرهای جدید، ارتقاء جایگاه نقش قانونی شهرداری و شورای شهر، اصلاح نظام عالی شهر، اصلاح و تکمیل مجموع قوانین، بازنگری در طرح مجموعه شهری، ایجاد نظام یکپارچه مدیریت حمل و نقل، هماهنگی عملکرد سیستم قضایی با قوانین و ضوابط و مقررات شهری و ... همچنین زیر عنوان «ساز و کارهای اجرایی»، مکان‌یابی و برنامه‌ریزی برای تأمین بسیاری از خدمات و ایجاد مراکز شهری به همکاری شهرداری با اداره کل بازرگانی و سایر دستگاه‌ها و تشکلهای صنفی محول شده است.

پی‌نوشت

۱- هر چند در عالم واقع نزدیک به سی سال است که تحولات کالبدی شهر تهران فقط با چند ورق بخشنامه تراکم و توافق با مالکان زمین اداره می‌شود، پندارهایی که راجع ابعاد دست‌نیافتنی علمی، پژوهشی و فنی طرح جامع کلان‌شهر تهران در میان مسئولان و متخصصان و دانشگاهیان وجود داشت (و هنوز هم وجود دارد)، باعث انتخاب عنوان «ساماندهی» برای طرح مورد بحث شد. اما به هنگام بررسی و تصویب، چون در قانون چیزی به نام «طرح ساماندهی» وجود ندارد، طرح مذکور با همان عنوان قانونی موجود یعنی «جامع» تصویب شد.

۲- عنوان «طرح ساماندهی تهران» مصوب ۱۳۷۱، چون با قانون موجود منطبق نبود به عنوان «طرح جامع» تصویب شد. طرح جدید تهران، مصوب آذرماه ۱۳۸۶ نیز چون عنوان «راهبردی-ساختاری» هنوز قانونی نشده، باز به عنوان «طرح جامع» تصویب شده است!

منابع

- طرح جامع تهران (۱۳۴۹) مصوب شورای عالی شهرسازی و معماری ایران.
- طرح جامع تهران (۱۳۷۱) مصوب شورای عالی شهرسازی و معماری ایران.
- طرح راهبردی-ساختاری (۱۳۸۶) مصوب شورای عالی شهرسازی و معماری ایران.